



نگاهی به کتاب قصه قصه‌ها
اثر محمد علی موحد

بازگشت به خرد

مژگان ایلانلو

«...او صد بار سر نهاده و اقرارها کرده و از من خرقه خواسته و مولانا گفته: خرقه نیست قاعده من؛ خرقه من صحبت است و آنچه تو از من حاصل کنی.

خرقه من آن است...»

کتاب **قصه قصه‌ها** با نقل این حکایت حکیمانه از کتاب استثنایی مقالات شمس آغاز می‌شود و دکتر محمد علی موحد در پیش‌گفتار مفصل و عالمانه کتاب به شرح و تفصیل این نکته می‌پردازد که چگونه پس از مرگ مولانا، خرقه‌داری و خرقه‌پوشی در میان بازماندگان و شاگردان او رواج یافت و فرقه مولویه تاسیس گردید.

اگرچه بهانه تألیف کتاب ارائه پژوهشی درباره مثنوی ابتدا نامه نوشته «بهاء‌الدین» مشهور به «سلطان ولد»، فرزند ارشد مولانا است، اما پیش‌گفتار یک‌صد-صفحه‌ای و شرح و توضیحات مفصل کتاب بر اشعار سلطان ولد، اطلاعات و گزارش‌هایی بسیار بیشتر از انتظار به خواننده می‌دهد و تصویری واضح از احوالات فرزند ارشد مولانا که می‌خواست ادامه‌دهنده راه پدر باشد، ترسیم می‌کند:

«حضرتش [یعنی مولانا] دواوین [مقصودش دیوان غزلیات است] در اوزان مختلف و رباعیات انشا فرمود، به طریق متابعت دیوانی گفته شد. آخر الامر دوستان التماس کردند که چون به متابعت پدر قدسنا الله بسره العزیز دیوانی ساختی در مثنوی هم متابعت لازم است. بنا بر آن و جهت آن که خود را مانده حضرتش گردانم، از اول ماه ربیع الاول سنه تسعین و ستمائة (۶۹۰) در این مثنوی شروع رفت، تا هم از این ضعیف نیز بعد از رحلت یادآوری بماند. فی الجمله در هر چه توانستم و دسترسی بود خود را به حضرتش تشبیه کردم. باقی حضرتش را مقامات و مراتب دیگر بود که آن‌جا نتوان رسیدن مگر حق تعالی به عنایت خود برساند. چنان که بر این مقدار رسانید. هیچ نوع امید از حضرتش نمی‌برم و همچو بدگمانان که یظنون بالله ظنّ السوء نومید نیستم» (مقدمه کتاب، ص ۱۹).

دکتر موحد در مقدمه کتاب به ضرورت تحقیق در مثلثی اشاره می‌کند که بدون توجه به هر کدام از آن اضلاع، پژوهش در باره ملاقات شمس و مولانا کامل نخواهد بود، مثلثی که یک ضلع آن، سروده‌ها و نوشته‌های خود مولانا در مثنوی، فیه ما فیه و مکتوبات است؛ ضلع دوم آن گفته‌های شمس در کتاب مقالات است و ضلع سوم گزارش بهاء‌الدین ولد فرزند مولانا است. گزارشی که گواهی دست اول نزدیک‌ترین و مطلع‌ترین شاهد آن ماجراست. کتاب ابتدا نامه سلطان ولد نخستین بار در سال ۱۳۱۵ به همت استاد جلال‌الدین همائی از پیش‌گامان مولوی پژوهی با عنوان **ولد نامه منتشر گردید** که به گفته دکتر موحد با کشف نسخ خطی دیگر، ضرورت تصحیح دوباره آن متن احساس می‌شود.

آن چنان که در آغاز سخن به نقل از کتاب **مقالات نوشتیم**، شمس و مولانا هیچ‌کدام اهل خانقاه‌داری و مرید و مرادی نبوده‌اند و به شدت از آداب و رسوم رسمی



محمدعلی موحد، قصه‌قصه‌ها؛ کهن‌ترین
روایت ماجرای شمس و مولانا، تهران: نشر
کارنامه، ۱۳۸۷.

دسته‌بندی حکایت‌ها می‌توان به‌راحتی دورنمایی از سرنوشت یاران و شاگردان مولانا پس از او به دست آورد. مطرح شدن بحث این نکته اساسی که «ولی مستور» کیست و چه تفاوتی با «ولی مشهور» دارد از بنیادی‌ترین مسائل مطرح شده در کتاب است.

دکتر موحد در بخش دیگری از مقدمه کتاب می‌نویسد:
«سخن درباره سلطان ولد و اهمیت و ارزش تاریخی و تعلیمی ابتدا نامه را بدون اشاره به مسئله مهم دیگری نمی‌توان به پایان برد. به‌راستی باید انصاف داد که سلطان ولد با این کتاب مثنوی عظیم بر گردن ما نهاده است. قوام سلسله مولویه را هم باید مرهون زحمت‌های او دانست، ولی اگر حق سلطان ولد را در راه‌گشایی و زمینه‌سازی جهت ادامه و استمرار حرکت مولویه تصدیق می‌کنیم، باید بگوییم که خشت کج انحراف نیز به دست او کار گذاشته شد، زیرا دم و دستگاه راه انداختن و تأسیس خانقاه‌ها و نسب مشایخ و استخدام مثنوی خوان‌ها و کاتبان و اموری از این قبیل با کوشش برای صید خاطر عوام جمع مریدان و گرم نگه داشتن آنان ملازمه داشت و این جمله نیازمند هزینه‌های مالی بود و این هزینه‌ها بدون تقرب به بزرگان و ارباب قدرت و نفوذ تأمین نمی‌شد و این سنخ از مردم گرچه در اظهار ارادت به مشایخ و تقدیم نذورات و صدقات مضایقه نمی‌کردند، لیکن نوعاً از التزامات اخلاقی فارغ بودند و گردن در برقه احکام شرع فرو نمی‌آوردند و حلال از حرام باز نمی‌شناختند.»

کتاب قصه‌قصه‌ها در ۳۰۱ صفحه در چاپی بسیار فاخر از در بهار ۸۷ از سوی انتشارات کارنامه روانه بازار گردیده است و بدون شک مرجع مهمی برای کسانی است که قصد دارند اطلاعات خود درباره اندیشه‌ها و سرگذشت مولانای بزرگ را از طریق اتصال به سرچشمه‌های اصلی و کتب مرجع به دست آورند. باری تولد این کتاب در بازار ساکن کتاب، هوای تازه‌ای است که می‌توان از نسیم آن روح و جان بر گرفت و شرط جوانمردی نیست اگر بانیان آن را نستاییم ■

تصوف، مانند موی بلند کردن و چله نشستن، گریزان بودند. در واقع به‌رغم اصرار مریدان، آن دو هرگز تن به این رفتار ندادند که خرقة بر تن کسی کنند و آداب مرید و مرادی بر جای آورند، اما پس از مرگ مولانا سلسله طریقتی باب شد که تا زمان آتاتورک پا بر جای ماند، سلسله‌ای که خود را مولویه خواندند و تمام آداب را تمام و کمال به جای می‌آوردند. سلسله‌ای که به نظر دکتر موحد، پس از یک دوران ممنوعیت و سکوت، زمزمه‌های خیزش دوباره آن به گوش می‌رسد. به نوشته کتاب قصه‌قصه‌ها سلطان ولد در سال ۶۸۴ پس از درگذشت حسام الدین چلبی رسماً رهبری مولویه را بر عهده می‌گیرد و در فاصله هفت سالی که از مرگ مولانا می‌گذرد، او خود مرید کریم الدین بکتّم است.

بر اساس اطلاعاتی که مؤلف کتاب به خواننده می‌دهد، سلطان ولد از نوشتن ابتدا نامه دو هدف را دنبال می‌کرده است، نخست ثبت و تثبیت تاریخ شروع سلسله مولویه و بیان حالات و مقامات پدر و جدّ خویش و مردانی چون سید برهان الدین محقق و شمس تبریزی و صلاح الدین زرکوب و حسام الدین ارموی که پدرش با آنان معاشر و محشور بود. دوم بیان اصول تعالیم این سلسله آن طور که از شمس تبریزی و پدر خود و خلفای او فرا گرفته و دریافت شده بود. و درواقع این دو ویژگی است که کتاب سلطان ولد را با اهمیت کرده است.

یکی از ویژگی‌های مهم کتاب قصه‌قصه‌ها تحلیل و تفسیرهای موشکافانه و دقیقی است که دکتر محمدعلی موحد، در ضمن نقل اطلاعات و تصحیح متون اصلی ذکر کرده است و از انتقال صرف مطالب، بدون اظهار نظر درباره آنها اجتناب کرده است، چنان‌که درباره کتاب پیشین خود، ترجمه و تصحیح فصوص الحکم ابن عربی نیز چنین کرده است و یکی از عالمانه‌ترین نقدها را بر متون ابن عربی نوشته است.

در قصه‌قصه‌ها نیز با آن که سلطان الولد به بزرگی نام ابن عربی نیست، اما دکتر موحد همان ویژگی را در نهایت صراحت و شجاعت رعایت کرده است. چنان‌که در همان آغاز گفتار از سست بودن اشعار سلطان ولد سخن می‌گوید و حتی این نظر مرحوم جلال الدین همایی را که او را با عطار مقایسه می‌کند، جفایی در حق عطار می‌داند.

دکتر موحد معتقد است که انتخاب قصه ملاقات شمس و مولانا برای آغاز کتاب نقطه بسیار ظریفی از سوی سلطان ولد است که گویی می‌خواهد این زمان را آغاز تولد مولانا بداند. همچنین با شرح و



مریم لبافزادی

کتاب **دین مهری**، کتابی است به قلم فرانتس کومن به زبان فرانسوی که نتیجه سال‌ها پژوهش در کشورهای مختلف بوده است. کتاب‌های دیگر وی عبارتند از: **ستاره‌شناسی و دین میان رومیان و یونانیان**، **پژوهش در رازهای مانی**، **مسافرت پژوهشی در لوبوم و ارمستان کوچک**. فرانتس کومن در موفقیت‌های مختلف خود در کسب علم و اطلاعات درباره سرزمین ایران و باورها و عقاید این سرزمین، خود را مدیون ذبیح بهروز و محمد مقدم دانسته و به همه کسانی که علاقه‌مند به سرزمین ایران هستند، تأکید کرده که پژوهش‌های این دو استاد را مورد مطالعه قرار دهند. کتاب در ۲۰۹ صفحه تدوین شده و شامل ۶ بخش است که مترجم در پایان هر بخش معادل واژگان را در پی‌نوشت‌ها آورده است. ترجمه این کتاب توسط آقای احمد آجودانی انجام شده است. وی چندین کتاب ادبی را از زبان فرانسوی به فارسی برگردانده است از جمله: **تزدکی رو** از فرانسوا موریاک و **آقای براون** از داستان‌نویس انگلیسی، آکاتاکریستی. وی همچنین کتابی را با نام **فرشته گور** به قلم خود به رشته تحریر درآورده است. گفتنی است که او **کیله و دمنه** را به زبان ساده و روان فارسی سره برگردانده و این کتاب هم اکنون به کودکان و نوجوانان آموخته می‌شود. باری، بخش نخست کتاب **دین مهری** با عنوان «ریشه‌ها» به پایه و اساس پرستش دین مهر پرداخته و دیدگاه‌های متفاوتی را در این مبحث ارائه داده است. فرانتس کومن بر این باور است که دین مهر، دینی اصالتاً ایرانی است و از این سرزمین به مناطق دیگر منتشر شده است. یکی از دیدگاه‌هایی که نویسنده در این کتاب مطرح کرده، آن است که ایزد مهر، از گروه ایزدان باستانی آریایی نبوده و آیین ستایش مهر توسط مردم ایران و هند به همسایگان اکدی و یا سامیان بابل‌نشین نسبت داده شده است. مؤلف نیز با توجه به یافته‌های تازه از خط میخی که در حدود سده ۱۴ ق.م به‌دست آمده، معتقد است مردمانی که در همسایگی اقوام آسیای صغیر (هیتی‌ها) و اقوام کهن هند و اروپایی در هزاره دوم ق.م (میتانی‌ها) بوده‌اند، ایزد مهر را می‌پرستیدند. نویسنده در بخش دوم کتاب، با عنوان «گسترش دین مهر در فرمانروایی روم» شرح داده که با گسترش قلمرو فرمانروایی رومیان چگونه به تدریج دین مهر در جهان لاتین منتشر شد. فرانتس کومن، تردیدی ندارد که بزرگترین گسترش دهندگان دین مهر «سربازان» بوده‌اند و شاید به همین علت است که یکی از مراتب سرسپردگی را مهریان «سرباز» نامیده‌اند. بخش سوم کتاب با عنوان **میترا و توان فرمانروایی**، به گرایش فرمانروایان به دین مهر پرداخته شده و به اعتقاد نویسنده این امر در تداوم دین مهر بی‌اثر نبوده است. وی در این بخش شرح می‌دهد که چگونه با قدرت گرفتن و نیرومندی فرمانروایان، مردم آنان را نه تنها به عنوان یک فرمانروا، بلکه به عنوان یک ایزد، محترم می‌شمردند. نویسنده در این‌جا تأکید می‌کند که رومیان این اندیشه‌ها را از مصریان گرفته‌اند. فرانتس کومن در این بخش یادآور شده که باورهای باستانی مصریان اثر ژرفی بر عقاید رومیان گذاشته است. در فصل چهارم، یعنی «باورهای دین مهر»، فرانتس کومن خدانشناسی مهری را میراثی از آیین زروان دانسته است. در ایران باستان زروان را گاهی با نماد آدمی که سر خورشید دارد نمایان می‌کردند. او در این مجال باورهای گوناگون مهریان را آورده است. در بخش پنجم کتاب روش انجام آیین‌ها، حامیان و دوستداران مهر را می‌خوانیم. در این بخش نویسنده به تفصیل درباره مراتب هفت‌گانه پیروان مهر پرداخته است. مؤلف در این بخش به برخی از آیین‌های مسیحیان اشاره کرده و معتقد است تشابهاتی بین این دو آیین وجود دارد. از این رو، در بخش آخر به‌وضوح این تشابهات را روشن نموده است. بخش ششم یا بخش پایانی این کتاب، میترا و دین شاهنشاهی را دربرمی‌گیرد. نویسنده در این بخش آورده است که برخی از شاهان از جمله نرون،

سرسپرده دین مهر شدند و پیروزی‌های خود را مدیون مهر می‌دانستند و به ستایش او می‌پرداختند.

فرانتس کومن بزرگترین رقیب نیرومند این دین را، آیین حضرت عیسی (ع) می‌داند. وی شرح می‌دهد که چگونه دین حضرت عیسی (ع)، باورها، عقاید و آیین‌ها، سازمان روحانی و مهر کده‌های مهریان را گرفت و در عوض نام‌های سامی و عبری بر آنها نهاد. البته فرانتس کومن دین مهر را در دین عیسی (ع) بی‌اثر نمی‌داند، چنانچه شام آخر، غسل تعمید، زاده شدن حضرت عیسی و گرامی‌داشت روز ۲۵ دسامبر، نام‌های پدر، برادر و خواهر روحانی، عروج حضرت عیسی به آسمان و لباس و کلاه کشیشان را همه از تأثیرات دین مهر برمی‌شمارد.

او توضیح می‌دهد که چگونه دین مهر با تولد حضرت عیسی (ع) و گسترش آیین او، تنزل یافت و از خاکستر آن، دین مانی سربرآورد. دین مانی نیز رقیب جدید و نیرومندی برای دین عیسی به حساب می‌آمد، اما در نهایت دین مهر پس از آن که در اروپا انتشار یافت، از آن دیار رخت بریست و به زادگاه اولیه خود، ایران، بازگشت و در نخستین سده‌های اسلامی که رقیب بزرگ کیش مهر، دین زرتشت، رو به افول نهاد، آیین مهر عرصه را برای جولان باز دید.

به طور کلی می‌توان گفت هدف اصلی این پژوهش روشن کردن ریشه دین مهر و باورها و آیین‌هایی است که مهریان از آن پیروی می‌کردند. نویسنده این کتاب، مهرپرستی را به زمانی که ایرانیان و هندیان با هم می‌زیستند در وداها و در اوستای ایرانیان در سرودی به نام مهر یشت می‌توانیم ملاحظه کنیم.

مؤلف به نوشته‌ها و آثاری که درباره مهرپرستی آمده است، اشاره می‌کند؛ چنانچه خود او برای افشای گوشه‌ای از رازهای دین مهر به نکاتی که استادان خود ذبیح بهروز و دکتر محمد مقدم، گردآوری کرده‌اند، اشاره می‌کند. یکی دیگر از کتاب‌هایی که برای آشنایی با دین مهر وجود دارد، کتاب آیین هیتا نوشته مارتین ورمازرن است. او یکی از شاگردان برجسته فرانتس کومن بوده و ما می‌توانیم برای آشنایی با افکار کومن به کتاب ورمازرن رجوع کنیم.

از دیگر نکات مهمی که کومن در این کتاب بدان اشاره کرده، این است که مغان مهری همین که در میان اقوام دیگر قرار می‌گرفتند و با روحانیان دین بومی روبه‌رو می‌شدند، از در دوستی وارد شده و بی‌آن که به نهادهای دین مهری آسیبی برسانند، برخی از نام‌های خدایان بومی را اخذ می‌کردند و در دین مهر انتقال می‌دادند.

از جمله مسائلی که در این کتاب حائز اهمیت است، این است که مؤلف در تحقیقات و پژوهش‌های خود به این نکته رسیده است که ایرانیان برای خدایان خود پیکر یا تندیس نمی‌ساختند، اما همین اندیشه‌های ایرانی، زمانی که به آسیای صغیر و اروپا رخنه کرد، تندیس‌های بی‌شماری از آنها به وجود آمد، از جمله: زایش مهر، گاو کشتن او و نبردهایش و ...



فرانتس کومن، دین مهری، ترجمه احمد آجودانی. تهران: نشر ثالث، ۱۳۸۶.

کومن در این پژوهش نیز به عرفان دین مهر بی‌توجه نبوده است و شرح مختصری درباره آن ارائه می‌دهد. او معتقد است که برای رسیدن به شناخت خود راستین که انسان را به کمال می‌رساند دو طریق وجود دارد: یکی روش پارسایانه و دیگری روش مهرورزانه یا مهری است.

روش پارسایانه، فرمانبرداری، نیایش و رنج کشیدن است و در روش مهرورزی مهر به خداوند، بنیاد و اساس آیین است. روش مهرورزی، خودآگاهی یا عرفان ایرانی است که هزاران سال قدمت دارد. این روش در مقابل دین مزدایی قرار گرفت و گاه باعث ستیز میان این دو آیین شد.

کومن برای برجسته نمودن این مطلب که دین مهر ریشه‌ای ژرف در میان ایرانیان دارد به آثار نویسندگان و سرایندگان بزرگ ایران زمین از جمله حافظ شیرازی، مولانا و هاتف اصفهانی اشاره می‌کند و معتقد است که آنان با حسرت و دریغ از مهر یاد می‌کنند و از رازی که در پرده نهان است، سخن به میان می‌آورند. به کارگیری آموزه‌ها، مفاهیم و روش‌های آیینی دین مهری از جسارت و صداقت نویسنده حکایت می‌کند. او کوشیده است تا با بازخوانی و بازاندیشی درباره آیین و باورهای دین مهر، نگاهی تازه به این مسأله کهن نماید.

نکته مهم آن که خواننده پس از مطالعه دقیق این اثر به روشنی درمی‌یابد که دین مهر تا چه اندازه کهن بوده و قلمرو گسترش آن تا کدام نواحی رفته و پیروان آیین مهر چه مرحله‌ای را باید سلوک می‌نمودند تا یک سرسپرده واقعی مهری شوند. زبان کتاب برای خوانندگان متوسط، کمی دشوار است. می‌توان گفت سبک مترجم محترم این است که پاره‌ای از اصطلاحات ادیبانی را بدون ترجمه می‌آورد. به نظر می‌رسد مترجم کتاب، مخاطب را تنها کسانی می‌داند که به حدی تسلط دارند که منظور نویسنده را کاملاً می‌فهمند و نیازی به ترجمه و تصحیح روشن‌تر ندارند. ■